

دانشگاه مادری که دانشگاه دختر شد!



دکتر سید مه‌دی سجادی

شده حرف نمی‌زنم، چون حوادث سالهای اخیر شاهد مناسبی بر این امر هستند و چه زشت است سقوط اخلاق زمانی که آئین مقدس اسلام و فرهنگ ژرف ایران را پرچم خود قرار می‌دهیم و درست خلاف هر دو عمل می‌کنیم.

از ضعف انتشارات و تحقیقات در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران مثل جغرافی-تاریخ-ادبیات-الهیات باید کتابها نوشت. در آغاز سخن دست شما را می‌گیرم و به یک مجموعه درمناگهی دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌برم، جایی که دندانپزشکان بحق ادعا می‌کنند برای پر کردن دندانهای جلو حداقل ماده مناسب را ندارند، قسط می‌توانند دندانهای عقب را پر کنند و یا دندان را بکشند. آنها می‌گویند که در اینجا پر

شهرک علامه مجلسی اصفهان و ورامین و شهر بابک مؤسسات دانشگاهی احداث شده‌اند لذت می‌بریم. به این موضوع هم ایراد نمی‌گیریم چرا این دانشگاهها سریع پیش می‌روند و شاگردانشان خودنمایی می‌کنند و اساتید فعلی یا دانشجویان دانشگاه تهران یا دانشگاه علوم پزشکی تهران را زیر سوال می‌برند. بحث در این است که هم دانشگاه تهران و هم دانشگاه علوم پزشکی تهران که مکمل و زاده دانشگاه تهران است نباید در تبا بزنند و عقب بروند. آنها باید نقش متزقی و مرکزی خود را در ایران امروز و سیستم (همداد) دانشگاهی آن ایفا کنند. این توقع زیادی نیست.

ظواهر نشان می‌دهد دانشگاه تهران امروز از زادن دوباره امثال دکتر آرمین دکتر فره‌وشی دکتر محمد مقدم دکتر مشکور دکتر قریب مهندس دکتر جمران و

دکتر حسایی عاجزست. پس‌گرای در تمام شئون آن، از مدیریت گرفته تا ورزش، و از علم گرفته تا اخلاق حتی می‌شود و بجای علم سالاری جوجه سالاری مصداق دارد.

در این مورد من قصد سوء و اهانت یا کوبیدن مقام مسئول محترمی را ندارم و به شخص خاصی هم اشاره نمی‌کنم، بلکه مسأله‌ای است که در درازی زمان اتفاق افتاده و قصد نگارنده آن است که مسائل به خوبی و خوشی در راستای منافع دانشگاه تهران و نیز دانشگاه علوم پزشکی حل شود.

حالا از اینکه در دانشگاه علوم پزشکی و خود دانشگاه تهران حرمت اساتید و پیش‌کوتها از بین رفته و حتی در مرگ آنها مجلس سوگ و یادبود تشکیل نمی‌شود و با بعضی از آنها با سردی تمام (اگر نگویم زشتی) برخورد

دانشگاه تهران به معنی گسترده شامل مجموعه دانشگاه علوم پزشکی امروز، روز و روزگاری بد و بیضایی داشت. زمانی که این دانشگاه به یک پارچه تحرک علیه رژیم شاه بدل می‌شد یا فریبانی چون شریعت رضوی- قنجدچی و بزرگ نیا قبل از مسافرت نیکسون به ملت ایران اهداء می‌کرد، اقتصاد آمریکا و از جمله دلار می‌لرزید. با تب و تاب دلار و لزشش وال استریت (Wall street) کلیه معاملات بانکی- اقتصادی و نظامی آمریکا متوقف می‌ماند تا دانشگاه تهران آرام شود. همین دانشگاه بزرگانی چون شهید دکتر جمران- و شادروانان مهندس مهدی بازرگان- دکتر حسایی- دکتر محمد جواد مشکور و دیگران را به جامعه ایران تقدیم کرد. سخن این نیست که دانشگاه این روزگاران (که ضرورت آن هم حس نمی‌شود) بتوفد و دنیا را بلرزاند، گو این که هنوز هم تظاهرات دانشجویی بر علیه آمریکا و اسرائیل ادامه دارد. سخن آن است که این دانشگاه که روزگاری آنقدر در صحنه سیاسی جهان مطرح بود و در صحنه علمی و اجتماعی شاخص بود امروز از دانشگاه مادر به دانشگاه دختر بدل شده و به عبارت طنزآلود یکی از جواید و قتش رسیده که روز سیزده بدر سیزه گره بزند و شوهر مناسبی از نوع غیرانتفاعی- چاق و چله و پول خرج کن به تور بزند. آخر می‌بینیم که از زمان پدید آمدن دانشگاههای آزاد و غیرانتفاعی و دانشگاههای دیگر روز به روز از ارج و قرب این دانشگاه کاسته شده است.

البته بخیل نیستیم که کشور ما و شهرهای مختلف آن مهد دانشگاههای فراوان، حتی از نوع جوجه دانشگاه شده‌اند. از اینکه در زابل و کیش و ابوموسی و



اجتماعی

کردن ریشه Root Canal عملی نیست، حال آنکه در هر مطب جنوب شهر اینکارها انجام می‌شود. آیا این امر برای دانشگاه مادر زشت نیست؟ در درمانگاه چشم همان بیمارستان وسایل اولیه شامل وسایل سایه‌نگاری داسکیاسکوپ (قابل توجه فرهنگستان محترم کشور و نیز فرهنگستان علوم پزشکی) وجود ندارد و قطره‌های لازم برای گشودن مردمک یافت نمی‌شود. گزارشهای مکرر و انتقادهای چاپ شده در مطبوعات هم هیچ فایده‌ای نداشته است. گویا بعضی گوشها قرار است باز نشوند!

کوتاهی در همه زمینه‌ها

دانشکده ادبیات و زبانهای باستانی و خارجی در برابر وظایف اولیه خود ناتوان است. ثبت تحولات معاصر و گذشته ادبیات ایران از جمله شاخه‌های حس شعر (جدیدترین شکل شعر گیلکی-شعر سپید) اشکال شعر مذهبی و عرفانی- بررسی ادبیات و فرهنگ کردی- بلوچی- مازندرانی و گیلانی- جدگالی وجات- رومانوز رگر و امثال آن- توجه به سیر ادب و فرهنگ گرجی و ارمنی- قزاقی- و نظایر آن اصلاً در کار این دانشگاه نیست. برای فرهنگ و زبان سومری- ایلامی- کاسی- اورارتو و مینانی هیچ تلاشی انجام نمی‌شود، سهل است، اگر ایلام در حوزه ایران بوده تحقیقات مربوط به آن را باید در آلمان جستجو کرد و در اینجا کسانی گفته‌اند مادر مورد زبان و ادب ایران کار می‌کنیم در مورد ایلامیان بهتر است آلمانها اظهار نظر کنند. حتی در زمینه فرهنگ اوستایی هم یک هاشم رضی آمده تلاشی به مراتب چشمگیرتر از دانشگاه تهران عرضه داشته و نمودار آن چندین جلد کتاب راجع به قواعد اوستایی- فارسی کهن- میترا- آئین زروان- و نسیداد- اوستاست که با انتشارات دانشگاه تهران قابل مقایسه نیست. حالا به مسایل فرهنگ و عرفان و ادب اسلامی می‌نگریم. همانگونه که دانشگاه طب با طب و فرهنگ سنتی و اسلامی و یا طب جانشین تجانس نشان نداده و بیشتر بیگانه بوده، تلویحاً همانطور هم دانشگاه تهران و شعبه‌های الهیات و تاریخ با منش تاریخ شیعه و بزرگان چون یحیی بن زید علوی- ابراهیم بن عبدالله شهید با حمزی- محمدبن عبدالله نفس زکیه، و مسائلی مثل تاریخ صابیان و ماندانیان، و تحقیق اصیل درباره ماجرای اسکندر و سلوکیان (که این روزگاران از طریق مجله آستانه فردا و استادانی چون حامی مجدداً بالا گرفته)- بررسی در مورد فرقه‌هایی مثل اهل حق و شبلی و شیخیه کرمان هیچ تلاش قابل ذکری ندارد. اگر

دانشگاه تهران دیگر قادر به زایش دکتر حسابی‌ها، دکتر مشکورها، دکتر قریب‌ها، مهندس بازرگان‌ها، شهید چمران‌ها و... نیست.

میرافضلی می‌توانستند با دانشگاههای طراز اول تهران رقابت کنند و برنده شوند حالا هیچ دبیرستان و مؤسسه‌ای در این سطح نیست که فرضاً بتواند با پیروزی- پیام مقاومت- تیم ملوان و حتی تیمهایی مثل شاهین- هما و فتح شانه به شانه بزند. دانشگاه مادر (و اخیراً دختر!) هم که باید گردبازی کند چه برسد به آنکه در سطح باشگاهی مردان یا همان دوشیزگان و بانوان فعالیت و هنری نشان بدهد!

نور چشم بازی در دانشگاه؟

حالا نگاهی به مشکلات اساتید دانشگاه تهران (و علوم پزشکی) از نظر مسکن- حقوق- بورسیه- تسهیلات علمی و ارتقاء شغلی بیفکنیم: البته حقوقها بالا رفته ولی با توجه به تورم موجود اصلاً قابل قبول نیست. قبلاً یک عضو هیات علمی در بندو استخدام مبلغی نزدیک به دو هزار دلار حقوق و درآمد داشت اما اینک از دانشگاه همان حقوق و مزایا را نمی‌گیرد. در حالی که بیست سال از آن تاریخ سپری شده است. بورسیه و استفاده از تسهیلات علمی در خدمت همگان نیست و به نظر می‌رسد تابع نور چشمی بازی یا مسایل خاصی است. اگر شرایط مناسبتر بوجود می‌آمد و در همین محیط ایران و تهران هم امکان فرصت مطالعاتی در سطوحی میسر می‌شد شاید وضع قابل تحمل بود. اما حالا که مقدور نیست و اگر هم بشود با تورم و شرایط اقتصادی موجود بهای غیر قابل جبرانی دارد و شرائط ارتقاء و ارائه کار تحقیقاتی بظاهر مترقی‌تر و دشوارتر و پیچیده‌تر شده و به صورت سیستمی درآمده که انسان حس می‌کند باریک سیستم درجه اول قرن بیستم، آن هم بازوایان لیوزی و کامپیوتری سر و کار دارد اما معلوم نیست این چه شبکه‌ای است که از آن فقط افراد مورد نظر و نور چشمی بالا می‌آیند و دیگران در حد استثناء می‌توانند از این نردبان بالا روند. اینکه درست همانهایی که از قبل پیش‌بینی می‌شود امتیاز می‌گیرند و دیگران حتی اگر ده پانزده مقاله و تحقیق علمی در خارج داشته باشند سرکوب و تهدید به اخراج می‌شوند ادم را به تعمق وامی‌دارد.

کتابخانه دانشگاه که نباید مرجع مناسبی برای محققین باشد بسیاری از کتابها را نمی‌خرد. اصلاً بعضی کتابها قابل توصیه نیستند زیرا دانشگاه که نباید هر کتاب بنحلی را بخرد!

بهر حال در این باره هم مثل ارتقاء هیات علمی عده خاصی صلاحیت بررسی را در انحصار خود قرار داده‌اند و حرف حسابشان این است که آیا تو بهتر می‌فهمی یا ما

دلایلی دارند که ما دروغ می‌گوئیم یا به اشتباه می‌کنیم. لطف کنند تا اشتباه خود پی ببریم و خوشحال هم بشویم. حقیقت این است که کسانی هم مثل شادروان دکتر مشکور که فعالیت اشاراتی زیادی داشت با حق شناسی روبرو نشد و اگر چه بعضی مطبوعات از او تجلیل کردند، دانشگاه در برابر وی سکوت خاصی نشان داد.

نام دانشگاه بار فرهنگی و عاطفی سنگینی دارد. ما نمی‌گوئیم به پوشش اسلامی برادران و خواهران توجه لازم نشود یا مسأله نماز در اولویت قرار نگیرد، به عکس معتقدیم دانشگاه و شاخه‌های آن در همین زمینه هم رسالت خود را ایفا نکرده و در مورد فرهنگ نماز و روزه و حجاب چه در ایام باستان و چه پس از طلوع اسلام مطالعات لازم انجام نشده است. دانشگاه تهران باید به منزله قلب و مغز در فرهنگ مملکت عمل کند و آن سنگینی لازم را که در دوره گذشته بر ذهن و فکر مردم داشت تکرار نماید.

آیا دانشگاه تهران دوباره متحول خواهد شد و دکتر قریب‌ها، دکتر آرزین‌ها، دکتر حسابی‌ها و دکتر مشکورها از نوبه دنیا می‌آیند و در این دانشگاه تغییر جنسیت داده (از مادر به دختر بدل شده) فرصت مطالعاتی و بذرافشانی علمی می‌یابند. خیال نمی‌کنم جواب مثبت باشد. ورزش دانشگاه تهران (و علوم پزشکی) روزی روزگاری سر بر عرش می‌سایند، بسیاری از قهرمانان ملی ما از این دانشگاه یا دانشگاههای مشابه سر در آوردند؛ برای مثال دکتر مجید زرین نام (بازیکن ملی دارانی- فوتیبال)، دکتر سبیل روحانی (دامپزشک و کاپیتان تیم ملی بسکتبال ایران) را می‌توان نام برد حالا که از تمام دانشگاهها چنین افرادی بیرون نیامده‌اند، هیچ عیبی ندارد که اسنادیویمهای آزادی- شیرودی- تختی و دیگر مؤسسات ورزشی ساعتی در اختیار دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی قرار گیرد.

متأسفانه می‌بینیم که حتی دبیرستانها و مدارس هم در سطح ورزش عقب رفته‌اند و اگر روزی و روزگاری دانشسرای علمی- دبیرستانهای بوعلی یا

چند نفر از پیش‌بالا تر غیر انتصابی. اصلاً چرا جیب بنفش می‌کشی مگر اینجا صحنه شعر نو و ادبیات متحول است. در مورد مشکلات مالی و خانوادگی هیأت علمی باید کتابها نوشت که فرضاً مسأله خود نگارنده هم هست ولی اگر زیاد مته به خشخاش نهاده شود سوء تعبیر می‌شود که این همه روده درازی برای نان روغنی بوده است! حال آنکه خدمت و زحمت چه در عالم پزشکی و چه در سایر پهنه‌ها با اجاره نشینی و مقروض بودن و برای حق طبیعی - حتی ارث خود - سالها دوییدن و تازه محکوم شدن! جور در نمی‌آید. مسکن دانشگاه به تناسب احتیاج تقسیم نمی‌شود و چه بسا افرادی که مسکن طاغوتی دارند باز از استیاز مسکن بیش از همه استفاده کرده‌اند، اما کسانی که هنوز مثل نگارنده اجاره نشین هستند، سماق لیزری می‌کنند! اخیراً سطح دانشگاه بالا رفته و برای امتیاز بعضی واحدها باید چیزی نزدیک شش میلیون پول به صندوق دانشگاه ریخت تا واحدی بنام تو برای آینده نامعلوم ثبت شود؟ حالا اگر عنوان کنی این پول را ندارم بحساب بی‌لیاقتی و ولخرجی و هزار مسأله دیگر گذاشته می‌شود. تا از قیافه خودت خجالت بکشی و حرفهای

کنده‌تر از دهنت نزنی.

نگاهی به دانشکده دامپزشکی می‌اندازیم که در شرایط کنونی گشتور باید خیلی تندتر از اینها حرکت می‌کرد و از زمان بازنشسته شدن و مرگ دکتر میمندی نژاد حتی در سطح مجموعه اساتید بپای آن شادروان نمی‌گوئیم این دانشگاه، در مسأله سرم‌سازی و نظارت بر دامها وظایف درخشانی انجام نداده، اما آنچه می‌بینیم و در سطح خود می‌فهمیم زیاد نیست البته و صد البته که انتظار ما خیلی فراتر است. راجع به دامپزشکی جغرافیایی و سنتی - راجع به داروسازی و تهیه دارو در شرایط موجود - چه کاری انجام شده است؟ چه بلاشهای همدوشی با دانشکده پزشکی درباره تحقیقات مشترک انجام شده است؟ یک نکته را بنویسیم که از روده درازی بی‌نیاز شوم. آری رشته‌های طب ما در بعضی شاخه‌های پزشکی - دندانپزشکی و دامپزشکی توسعه یافته‌اند اما در سطح خاص و برای گروه یک خاص اجتماعی.

مثلاً امروز طب لوکس آمریکایی و از نوع «سرمایه‌دار» پسته ترویج می‌شود که اصلاً باب طب مستضعف و کوخ‌نشین و کارگر نیست. درد اینست که

بعضی اساتید هم جانب این جور می‌گیرند و بنوبه خود جیب (سبز و علمی) می‌کشند که درست است که ما با آمریکا مخالف هستیم، ولی با علم و فن آمریکا که مخالف نیستیم!

البته کار این علمیت بجایی رسیده که هزینه پر کردن یک دندان با ریشه درمانی گاهی به مرز صد هزار تومان می‌رسد و این هزینه برای همه افراد، آن هم با سطح زندگی پائین و حتی متوسط یا قاطبه کارمندان مقدور نیست. بعضی روشهای جدید و مرسوم در چشم پزشکی تقریباً باب طب اشرف و پولداران است و طب مردم کوخ‌نشین محسوب نمی‌شود.

مثلاً گذاشتن چشم مصنوعی متحرک مخارجی نزدیک به ششصد هزار تومان دارد و شاید هم بیشتر. انواع عمل جراحی روی قرنیه از نوع Lasik یا رادبال کراتوتومی فقط باب طب اشرف است. کوخ‌نشینان و مستضعفین و کارگران کم حقوق باید همانطوری که ما روزگاری شاهد فضاوردی سگ لایکا بودیم به ترقی علم و فن و رشته‌های آن بنگرند و سماق بکنند. و سیستم طبقاتی پزشکی پیش کسوتان و افراد با تجربه را نرمید کرده و نوعی جوجه‌سالاری را رواج داده



زعفران
قهوه
کاکائو

شرکت بسته بندی مواد غذایی

شماره

هدف ما جلب رضایت شماست

اولین قهوه بسته بندی شده در ایران

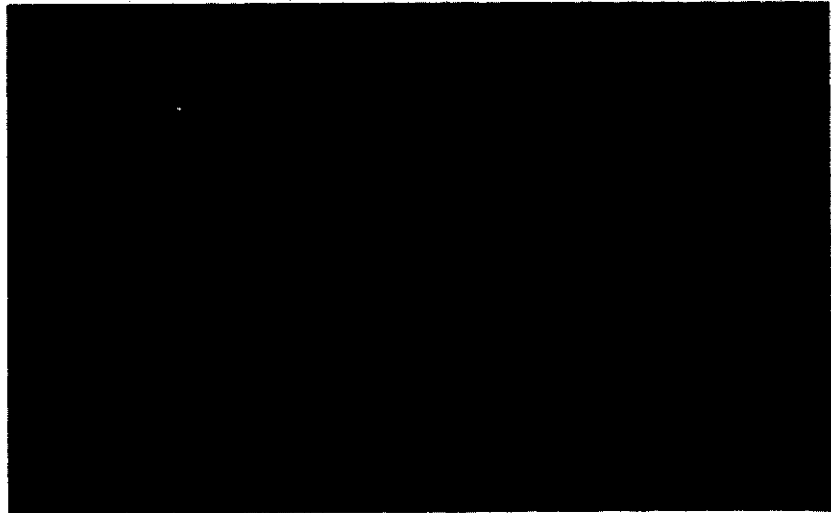
تلفن کارخانه ۰۲۶۶۹ - ۳۰۰۴۳
تلفن بازار ۵۶۱۶۸۸۶

چنین حجمی از مقالات علمی ارائه نشده و اصلاً کدام کار اصلی و original در زمینه چشم پزشکی-گوش و حلق و بینی- دندانپزشکی- بیماریهای قلب مطرح شده است؟ حالا ختماً تعداد پیوندها را مطرح می‌کنند. ولی آیا اینکارها تقلیدی و تکراری نیست؟

بهرحال امروز بحث اینست که دانش در خدمت تمام جامعه ایران بویژه گستره محرومین و مستضعفین و زحمتکشان و مؤمنان واقعی باشد نه در خدمت سرمایه‌داران- برج سازان و برج پروران- سرفهین و لوکس پسندان و در حقیقت کنسولها و نمایندگان ناشناخته آمریکایی‌گری و غریبگری در ایران. اگر قرار باشد تکلیف دانشگاهها و مؤسسات علمی ما را پول و ثروت تعیین کند و هر روز توی سر دانشگاه تهران بخورد با چه فاجعه‌ای روبرو خواهیم شد؟

دانشگاه تهران یکی از سنگرهای انقلاب اسلامی و مردمی ایران بوده و بزرگانی پرورده که به فرهنگ ایران و اسلام خدمت کرده‌اند، کسانی را پرورش داده که در طب و ریاضی حرفهای تازه برای جهان زده‌اند؛ (از معرفی عصب جدید گرفته تا فورمول جدید ریاضی، از هموگلوبین تازه گرفته تا تکنیک جراحی جدید). امروز این مشعل تابان کم فروغ شده است. نویسنده به عنوان دانشجوی اسبق و هیأت علمی سالهای سال این دانشگاه که از نعمت‌ها و انتصابات آن بی‌نصیب بوده ولی دلی پر از عشق به این دانشگاه دارد نمی‌خواهد شاهد مرگ و یا حتی عقب‌گرد این مؤسسه علمی و مادر علم و فن در ایران باشد. آیا این خواست قاطبه اساتید و پرسنل دانشگاه تهران و زاده آن (دانشگاه علوم پزشکی) نیست؟ آیا این خواست غیرمنطقی است؟

□



نمای ورودی دانشگاه تهران در خیابان انقلاب که ضمناً حالت نمادین دانشگاه را یافته است.

دهنده می‌شود یا همان نگاه نافذ! دیگر از هنر و پیشرفت سینما و فنون آن مضحک است سخن بگوئیم.

درباره دانشکده‌هایی که دانشگاه تهران را تشکیل می‌دهند مسئله بسیارست اما بهتر است که این مسائل بوسیله دانشجویان و اساتید آن دانشگاهها مطرح شود. ما نمی‌گوئیم چرا دانشگاه شریف ایجاد شده یا دانشگاه توسعه یافته زنجان بویژه واحد فن و فیزیک آن جلوه دانشکده فنی را کم فروغ کرده‌اند، اما می‌توان پرسید چرا امثال استاد مهندس حسامی- پرفسور حسامی- مهندس بازرگان و حتی از دیدگاه علمی (نه زندگی مورد سؤال و سراپا ایراد سیاسی همان مهندس ریاضی) بوجود نمی‌آیند؟ آیا رشته‌های فنی در ایران به نسبت زمان توسعه یافته‌اند؟ این روژها به دانشجوی رشته فیزیک می‌رسی و اسم اثر کوانتومی حال یا ذرات جدید اتم را می‌آوری می‌بینی گاهی حتی

این اسمها را نشنیده‌اند. خوب آدم از پیشرفت زمان و دانشگاه خیلی انتظارات دارد! حدود ده سال قبل، یعنی سال ۱۳۶۶ گروه پزشکان ایرانی در کنگره چشم پزشکی رم مقالات متعددی ارائه کردند، از جمله یکی از آنها در کنگره رم و پاریس و حواشی آن ۹ مقاله ارائه کرد که بعضی از آنها اصلی original بودند حال سؤال می‌شود چرا درین ده ساله

است. از مبارزه با سل و جذام خبری نیست. البته بعضی از بزرگان مدل جدید که ادعای سر به عرش سائیدن را دارند از تشخیص مواردی مثل جذام و سل و انگلهای خاص عاجزند و اگر این سینا در زمان خود اسپارگانوز Sparganosis را در ایران تشخیص داده بود این بزرگواران یک مورد اسپارگانوز را در ایران که ندیده‌اند هیچ، اسم آن را هم نشنیده‌اند!

شاید بهتر باشد بگویم فقط خوب بلدند پول بگیرند و ستم ستم بزنند و گاهی پشت سر همکاران و دوستانشان بد بگویند. وزارت جلیله بهداشت هم که بارها برای تراخیم-بیماریهای عفونی مثل سل و جذام- انواع انگلهای آبی و خشکی و غیره مجلس ختم گذاشته (البته چله و سالگرد نگرفته است!) این وزارتخانه معتمدت دور این حرفها گذشته و دور دور پیوند قلب و ریه و کلیه و لوزالمعده است! جناب وزیر یکروز سخنرانی فرمودند که مادر مورد قلب از انگلستان چلو زده‌ایم و اگر ریه و کبد و لوزالمعده پیوند زده شوند به آمریکا می‌رسیم یا جلوتر هم می‌رویم. بماند که خیلیها این ادعا را تأیید می‌کنند، اما در مقابل بعضی معتقدند طب عربستان و ترکیه و مصر از ما جلوتر است.

طب مرفهین و برجسازان!

سری به دانشکده هنرهای نمایشی و مسایل سینمایی بزنیم. در جایی که سینماها یکی پس از دیگری بسته می‌شوند یا آتش می‌گیرند یا به برج بدل می‌شوند و در قیلم منتخب جشنواره سینمایی ناف بچه یکروزه بدل به ناف بچه چند ماهه می‌شود و یا در فیلم فارسی پزشک متخصص داخلی آپاندیسیت عمل می‌کند و پس از پیوند قرینه، چشم گیرنده مشابه چشم

شرکت شیشه
تولیدکننده انواع شیرآلات بهداشتی و ساختمانی

دفتر مرکزی: میدان ولیک، خیابان ملاصدرا، شماره ۹۲
تلفن: ۰۲۳۲۴۵۵ - ۰۲۳۶۹۴۴ - فاکس: ۰۲۳۶۱۹۷
کارخانه: خیابان دماوند، خیابان سلمان آب، شماره ۱۴
تلفن: ۰۱ - ۷۳۲۹۶۷۸ فاکس: ۷۳۳۴۹۴۳

اجتماعی